

عکاس در تصویرش متجلی است

هیچ وقت بی تفاوت از کنار تک درختی عبور نکرده‌ام

گفتگو با یحیی رحمتی، عکاس و فیلم‌ساز

هفت حوض (۲)

آب از سر این سد گذشته است

سد جان‌نثار، جان می‌دهد

اعلانات (۸)

هنر نویسند

حرف کشیدن از شهر است

قهرمان تمامی داستان‌ها و روایت‌های من

در تاریخ محلی، زنجان است

وقایع اتفاقیه (۷)

دولت وفاق ملی دکتر پزشکیان

و ماجرای ترور شهید اسماعیل هنیه

وقایع اتفاقیه (۷)

شیخ اندیشمند

برنامه‌ی رو‌نمایی کتاب آزمایش زندگی

(شیخ ابراهیم زنجانی) به خاطر مخالفت

ارشاد استان در خانه‌ی آیت‌الله حسینی برگزار شد

مشروطه (۳)

اساس کار قاجار

در مسئله‌ی زمین «تیول داری» بود

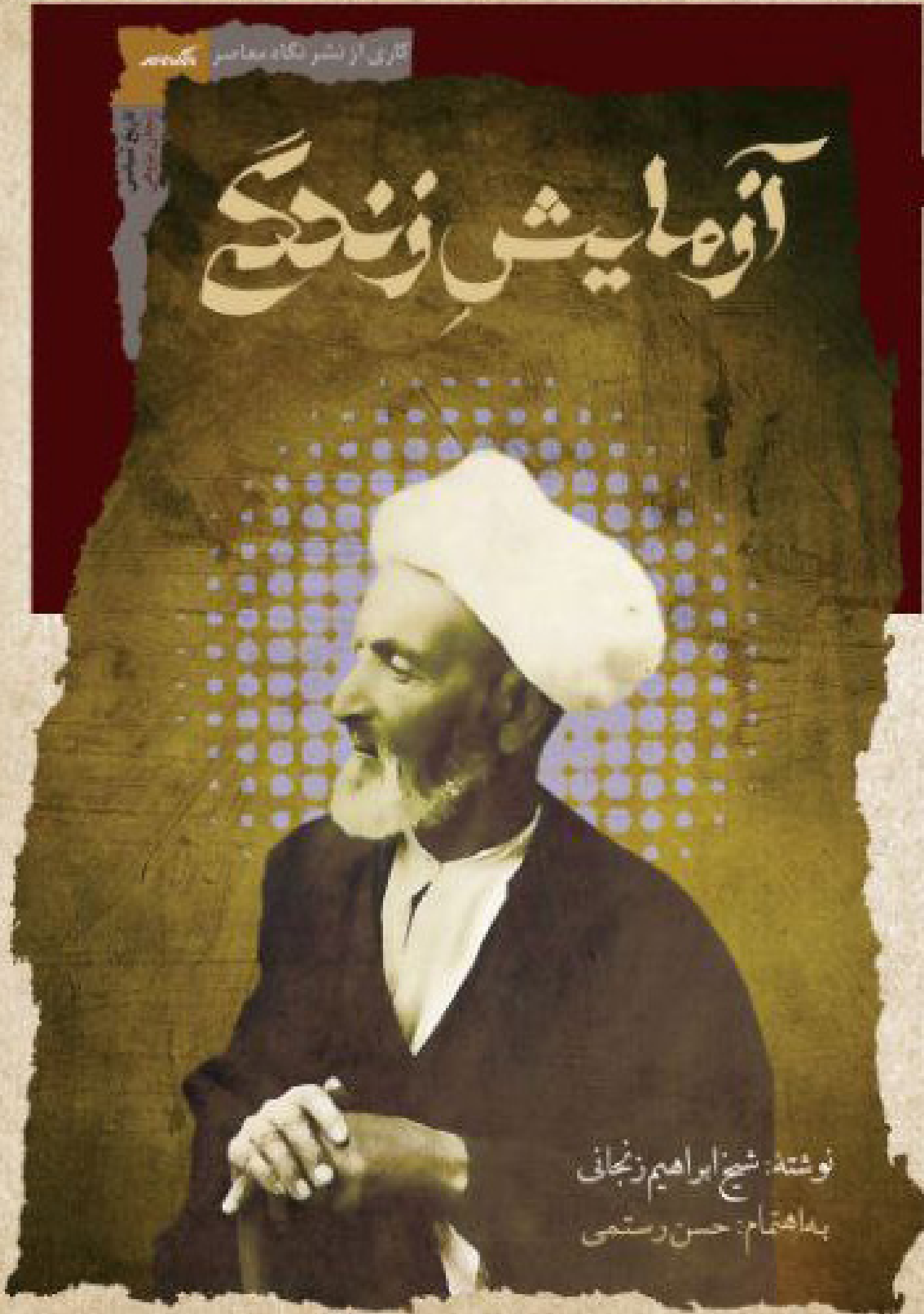
هیجدهمین نشست علمی، فصلی

انجمن دوستان ان تاریخ و فرهنگ زنجان برگزار شد

وقایع اتفاقیه (۷)

شیخ اندیشمند

برنامه‌ی رونمایی کتاب آزمایش زندگی به خاطر مخالفت ارشاد زنجانی در خانه‌ی آیت‌الله حسینی برگزار شد



خوی تبختر آمیز رامی گیرند، اضافه کرد: شیخ، مسائل مربوط به علم و تکنولوژی و پیشرفت غرب و استعمار شرق را مبسوط مطرح می‌کند و البته استناد نمی‌کند چون در جستار، تحقیق صورت نمی‌گیرد بلکه دانسته‌های خود را از موضوعی به صورت قابل درک مطرح می‌کند، بوی همچنین در این کتاب به حذف صنعت با ورود کالاهای ارزان قیمت اشاره دارد، به نحوی که بسیاری از موضوعات ما را به یاد امروز می‌اندازد.

وی با بیان اینکه مقایسه ایران و ژاپن و غرب همواره صورت می‌گیرد که در نوشتار شیخ نیز هست که بدون اینکه شرایط جغرافیایی شناخته شود آن را بررسی می‌کند، ادامه می‌دهد: شیخ در سال ۱۳۱۰ شمسی این کتاب را می‌نویسد یعنی زمانی است که روس‌ها شکست سهمگینی از ژاپنی‌ها تجربه کرده‌اند و ژاپنی‌ها را به عنوان یک قدرت بزرگ مطرح می‌کند، شیخ هم مانند بسیاری دیگر، برای این گفتار شناختی از کشور ژاپن ندارد.

زمانی با اشاره به اینکه وی از مسائل سیاسی و انقلاب مشروطه بسیار سخن می‌گوید از تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ، بقای ایران در اثر حملات مکرر اما باز مبسوط‌ترین مطلبی که در این حوزه به آن می‌پردازد و گویی عقده‌ای در گلویش شیخ است بدگویی از اعراب است نه مسلمانان. او بیان کرد: شیخ باید بداند ورود اسلام به دست همین اعراب است که بسیاری از آن‌ها بدگویی می‌کند. زمانی با بیان اینکه تاکید زنجانی بر عبرت‌گیری از گذشته است و آن را موجب عقب ماندگی می‌داند، عنوان کرد: شیخ معتقد است اشتغال به گذشته باعث نابودی ملت‌ها می‌شود.

این نویسنده و محقق با بیان اینکه دروغ‌گویی نزد زنان در مشرق زمین بالاخص مسلمان یهودیان و رعایا مطرح است و آن را با دوره‌ی پس از رنسانس مقایسه می‌کند و نیز دلایل آن را ناشی از عدم وجود آزادی می‌داند، اظهار کرد: همانگونه که سیمین دانشور در بخشی از نوشته‌های خود می‌گوید دروغ‌گویی زنان ریشه در ترس‌شان دارد و از مردان می‌پرسد شما که سالار هستی‌چرا دروغ می‌گویید؟ اما نکته‌ی تاریخی این است که داریوش نیز از خدای می‌خواهد سرزمین را از دشمن، خشکسالی و دروغ در امان نگه دارد، به نظرم دروغ ریشه‌دارتر از ترس زنانه و عمیق‌تر از آن است.

شروع شود تا چند صفحه که دارای مطالب درخور و مناسب است، ادامه داشته باشد، بیان کرد: سر جمع این کتاب در ۱۰ مورد، موضوعات مجزا از هم را که قابلیت تامل داشته و شباهت قابل توجهی به هم دارند در خود جای داده و مابقی همان عنوان آزمایش را دارند که شامل آزمایش اولیه به نام آزمایش زندگی پس از مرگ، آزمایش کودکی تا بلوغ، آزمایش مهم، آزمایش مهم دیگر، آزمایش اساسی و مهم آزمایش مهم و عجیب و آزمایش افسوس‌ها است.

زمانی با اشاره به اینکه تقسیم بندی روی موضوعات این کتاب را نیز انجام داده‌ام، گفت: چند آزمایش نخست به زندگی شخصی می‌پردازد، مسائل اجتماعی، خانوادگی، زندگی زناشویی، مضرات زندگی با بیش از یک زن، توجه به خلیقات مردم، تاثیر مکان زندگی شهری و روستایی و شهرهای کوچک، روابط با دیگران و بازتاب آن با دیگران و بیان تجربیات، تجربه‌ی شخصی از چاپلوس‌هایی دیده به ویژه در دوران نمایندگی و خانه نشینی، از فسق و تقلب و ریاکاری بین مردم در بین همه‌ی ادیان و مذاهب از دوستی و دشمنی و جابه‌جایی این حالات و نقش زن از موضوعات مطرح‌ه در این کتاب است که نقش زن را در این مسائل خیلی تند مطرح می‌کند به حدی تند به این مطلب می‌پردازد که اختلاف شیعه و سنی را نیز ناشی از آن می‌داند.

زمانی با بیان اینکه او در این کتاب از دین نمایان و سوءاستفاده از موقعیت خودشان سخن می‌گوید که تقریباً حداقل ۳۰ تا ۴۰ درصد مطالبی که در جستارها آورده طعنه‌ای به آن می‌زند و در چند جا از این‌ها سخن می‌گوید خلاف کاری آن‌ها و رواج خرافه توسط آن‌ها و اتصال‌شان به پیامبر و ائمه را بازگو می‌کند، ادامه می‌دهد: این افراد در اصطلاح امروزی روحانی‌نما می‌شوند یعنی فردی که به ناحق خود را مطرح می‌کند که شیخ ابراهیم در آستانه مشروطه بدان اشاره دارد. صحبت از این می‌کند که این‌ها سوءاستفاده‌گر از شرایط و موقعیت هستند که این موضوع طبیعی است چرا که صاحبان قدرت به سو استفاده از آن متمایل هستند.

وی با بیان اینکه شیخ در این کتاب اختلاف طبقاتی و جابه‌جایی بین طبقات را مطرح و در این بخش نیز مدعی است حتی اگر نادارها دارا شوند، خلق و

جلسه رونمایی و نقد کتاب «آزمایش زندگی» نوشته‌ی مرحوم شیخ ابراهیم زنجانی به تصحیح حسن رستمی برگزار شد.

سید مجتبی حسینی الموسوی در ابتدای این برنامه با بیان اینکه این برنامه قرار بود در کتاب‌فروشی فرهنگ برگزار شود اما مسئولان فرهنگی شهر صلاح ندانستند در آن محل برگزار شود، اظهار داشت: موسسه‌ی مشکلات دیگر هیچ برنامه و جلسه‌ای اعم از رونمایی و نقد در شهرستان زنجان نخواهد داشت و مابقی کتاب‌ها در تهران رونمایی و نقد کتاب خواهد شد.

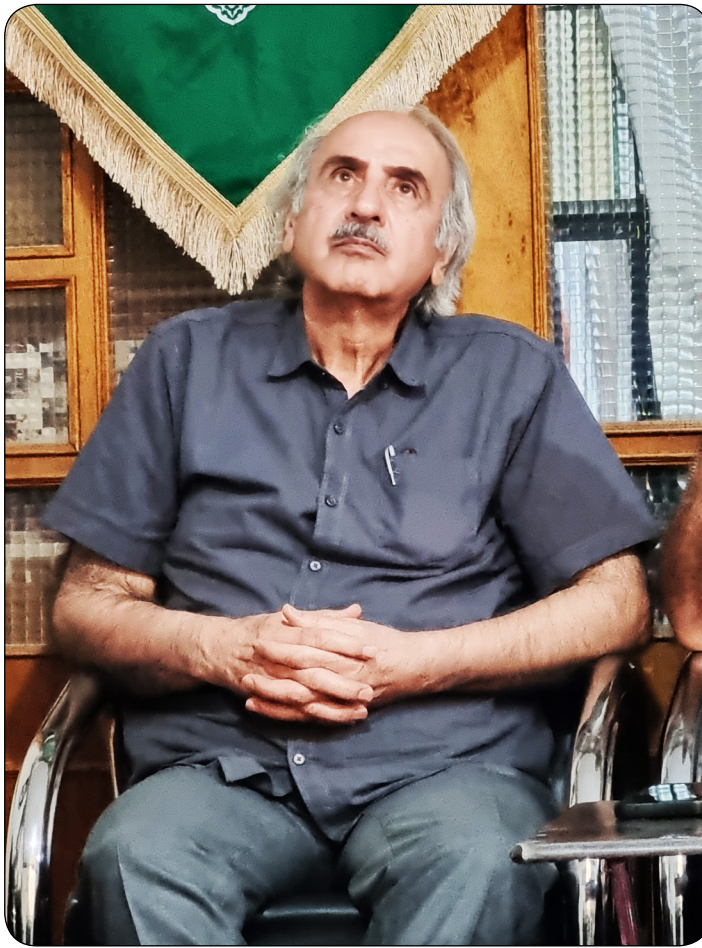
وی با بیان اینکه هنوز مسئولان فرهنگی استان به آن بلوغ نرسیده‌اند که تاریخ آن‌گونه که هست باید روایت شود نه آن‌گونه که آن‌ها دوست دارند، عنوان کرد: ما نمی‌توانیم به دوستان فهم بخریم باید به مرور زمان خود به این فهم برسند که پیشرفت جامعه مشروطه به تکرر است و جامعه‌ی تک‌صدا محکوم به شکست خواهد بود.

در این جلسه حسین زمانی با اشاره به اینکه نام کتاب «آزمایش زندگی» از متن و عنوان داخل کتاب انتخاب شده است، اظهار کرد: کل مطلب شیخ ابراهیم با عنوان آزمایش جستارهای شخصی و عینی شیخ است و متن مورد نظر به ویژه ۵-۶ آزمایش اولیه مربوط به زیست اولیه‌ی شخص نویسنده است و در باب خانواده، در مورد چگونه درس خواندن و وارد بازار کار شدن و از دست دادن خانواده و تجربیات وی است.

وی با اشاره به اینکه البته این موضوع سلیقه‌ای است ولی به نظرم می‌شد آرا و نظرات دو تن از کسانی که به طور جدی اقدام به نقد زندگی و شخصیت شیخ ابراهیم زنجانی پرداختند را داشته باشیم، عنوان کرد: شهبازی و منذر هر دو به نوعی می‌خواهند شیخ را مشت‌مال دهند جالب است اینجا دو صنف و سنجی که با این نوع اندیشه سازش ندارند به هم نزدیک می‌شوند یکی توده‌ای توابع و دیگری روحانیون نسبتاً سنتی که شیخ به آنها اعتراض مکرر دارد، بیشترین مطلب را در مورد زندگی شیخ ابراهیم زنجانی ارائه دادند و سعی در نفی وی داشتند.

وی با بیان اینکه جستارها ۶۰ مورد است که جستار ممکن است از چند سطر





وی با بیان اینکه کتاب دیگری که از شیخ با نام «استان الحق» چاپ شده است عنوان کرد: زهرا عربخانی در مقدمه‌ی این کتاب به شیخ می‌پردازد و می‌گوید به اینکه گفته می‌شود، وی معتقد است اسلام نمی‌تواند با رفتارهای نوجوام سازگار باشد و جامعه مدنی را اسلام می‌تواند برتابد.

وی با اشاره به اینکه هیچ فیلسوفی را نمی‌بیند که در تلاش برای کسب قدرت باشد، گفت: امروز هم جامعه جهانی پر از نادانانی چون ترامپ است که بر دنیا حکومت می‌کنند و خیل عاقلانی که از این اقدام خودداری می‌کنند.

جمشید کیانفر در ادامه‌ی این جلسه با قرائت از نگارش کتاب توسط حسین رستمی و توجه به نگارش این کتاب با اشاره به اینکه یکی از مشکلات این است که در دانشگاه‌ها آموزش روش تحقیق وجود دارد و در مقاطع مختلف روش آن آموزش داده می‌شود، اما در مورد روش تصحیح، آموزشی توسط اساتید داده نشده است، اظهار کرد: مگر اینکه یک استاد بنا به تجربه‌ی خود و علاقه‌مندی آموزشی در زمینه‌ی روش تصحیح رهنمودهایی به دانشجوی خود ارائه دهد.

وی با بیان اینکه فرد برای تصحیح باید نسخه‌شناسی را بلد باشد، عنوان کرد: شاید نسخه‌ای که به دست فرد می‌رسد اهمیت چندانی نداشته باشد اما وقتی به نسخه دیگر برمی‌خورید اهمیت نسخه‌ها مشخص می‌شود چرا که اطلاعات نسخه بسیار اهمیت دارد.

کیانفر با اشاره به اینکه در نسخه‌شناسی باید زمان تالیف و تحریر را شناخت، اضافه کرد: در نسخه یک تالیف داریم که ممکن است بارها تحریر شود برای نمونه یک بار اشعار حافظ تالیف شده و صدها بار تحریر شده به نحوی که از ۱۰ سال پس از مرگ حافظ آغاز شده و تا اواخر قاجار ادامه داشته است.

کیانفر با بیان اینکه تحریرها گاهی موجب اختلاف نیز می‌شود، بیان کرد: در برخی موارد، محرران آنچه در ذهن خود دارند را در زمان رونویسی منتقل می‌کنند که موارد این خطا ضبط شده را در متون می‌توان مشاهده کرد.

وی با اشاره به اینکه فرهنگ کاتب در تحریر متون موثر است، اضافه کرد: برای همین باید نسخه‌شناسی بلد بود تا با اطلاعات درست نسبت به بررسی نسخه اقدام نمود.

کیانفر افزود: در برخی مواقع نسخ فاقد تاریخ است که اگر نسخه‌شناسی بلد باشید با قلم نوشته شده که به غلط بدان خط می‌گویند، زمان نسخه را می‌توان شناخت. وی ادامه داد: حروف الفبایی که با آن می‌نویسیم خط بوده اما گردش قلم نوع آن را ایجاد می‌کند و انواع خط ریحان و نستعلیق و غیره را دارد.

کیانفر با اشاره به اینکه در نسخه‌شناسی خط‌شناسی در قرائت تأثیرگذار است، خاطر نشان کرد: نوع قلم و شناخت آداب نگارش نسخه در دریافت اطلاعات بسیار موثر است.

وی افزود: افراد تصحیح‌کننده وقتی می‌خواهند متنی را تصحیح کنند ممکن است ۴۰-۵۰ صفحه اول یک متن را رونویسی می‌کنند برای حروف چینی

بوده و متفاوتی است وقتی برای نمونه به متنی برخورد می‌کنید که با امارات و نشانه‌ها تاریخ نگارش را تشخیص دهید.

وی افزود: تا حدودی می‌توان از علایم تذهیبی دوران نگارش را فهمید به ویژه این موضوع در جایی که تاریخ نیست یا اشتباه است، بسیار راهگشا خواهد بود.

کیانفر با بیان اینکه نام کاتب هم در تشخیص زمان موثر است و با شناخت کاتب و دوران زندگی وی به صورت حدودی می‌توان تشخیص داد، یک نسخه در چه زمانی نگارش شده است، اضافه کرد: خود کاغذ نیز در این زمینه مهم بوده و نوع کاغذ نیز در اینکه یک نسخه متعلق به چه دوره‌ای است موثر خواهد بود.

وی با بیان اینکه در برخی مواقع در نسخ قید می‌شود که به سفارش چه کسی نگارش شده است، بیان کرد: با توجه به دوران زیست سفارش دهنده نیز می‌توان به دوران نگارش نسخه دست یافت.

وی با اشاره به اینکه در چاپ معمولاً چند صفحه اول یا پایانی به نمونه نسخ اختصاص داده می‌شود، بیان کرد: در این کتاب یک جا اشاره شده دو صفحه اول افتاده است در حالی که ممکن است چندین صفحه افتاده باشد، با چه اطمینان می‌توان چنین نظر داد؟ نسخ شما ممکن است نیمی از نسخ باشد و قدرت تشخیص آن را ندارد.

وی با اشاره به اینکه در چاپ باید نمونه نسخه ارائه دهید، ادامه داد: ممکن است یک محقق و مصحح یک نسخه یا چندین نسخه برای خود در نظر گرفته باشد.

وی با اشاره به اینکه ممکن است یک نسخه دارای یادداشت‌هایی باشد، بیان کرد: باید به این موضوع نیز توجه کرد.

کیانفر با بیان اینکه باید روش تصحیح را در ابتدا انتخاب کرد، اضافه کرد: در این کتاب بر روی یک نسخه کار شده است که در مقدمه بدان

اشاره نداشتید و یک بار در زیر نویس به این موضوع پرداختید. وی با اشاره به اینکه در زمان نگارش کتاب باید به این موضوع که از چه

نسخی در نگارش این کتاب استفاده شده است و دارای چه ویژگی‌هایی است پرداخت و حتی نوع قلم نسخه را نیز تشریح کرد، عنوان کرد: شما در کتاب آزمایش زندگی در دو سطر به این موضوع اشاره داشتید که این نسخه به شماره فلان در قفسه فلان مجلس نگهداری می‌شد و به جای ارجاع به متن به نسخ خطی ارجاع داده شده است در حالی که وقتی کتاب چاپی رو به روی من است نباید ارجاعیات آن به نسخ خطی در کتابخانه‌ها باشد و باید به خود متن مراجعه کنم. ارجاع به کتابخانه و قفسه آن اشتباه است چرا که یک کار سلیقه‌ای بوده و ممکن است جابه‌جایی در آن اتفاق افتاده باشد.

وی با اشاره به اینکه باید اطلاعات دقیقی از نسخه در کتاب آورده شود، بیان کرد: این موضوع با رعایت نکات ریز باید لحاظ شود و اطلاعات دقیقی از قلم، کاتب، نوع کاغذ و تاریخ آن ارائه شود.

کیانفر با اشاره به اینکه باید مقدمه را پس از اتمام نگارش و صفحه آرای باید نوشت نه جلوتر، گفت: این در حالی است که در این کتاب به نظر می‌رسد

اشتباه برداشت می‌کنند، چرا که با خط نویسنده آشنایی ندارد و قدرت تشخیص برخی کلمات و حروف را نداشته باشند و در کتابت قلم نویسنده را در نظر بگیرند.

وی با اشاره به اینکه علایم به کار رفته شده در نسخ بسیار حائز اهمیت است، بیان کرد: ما در نسخ علایم و سجایا نداریم، نقطه و کاما و علامت تعجب و سؤال و غیره در نسخ وجود ندارد، حتی در برخی مواقع ابیات در متن تنها با دو گل کوچک از متن جدا می‌شد تا خواننده بتواند شعر را از متن جدا کند.

کیانفر با اشاره به اینکه نسخه‌ها دارای پاراگراف نیستند و متن آغاز می‌شود و تا پایان آن ادامه دارد، اظهار کرد: فرقی نمی‌کند یک متن یک یا ۱۰۰ صفحه باشد و این شما هستید که با توجه به متن باید بدانید موضوع در یک متن چه زمانی آغاز و در چه زمانی پایان می‌یابد و باید آن را پاراگراف‌بندی کنید و به خاطر داشته باشید که اشرف شما تعیین‌کننده است.

وی با اشاره به اینکه علایم تذهیبی را باید شناخت و انواع تذهیب و سرستون‌ها، سرلوح، حاشیه، جدول و غیره را فرا گرفت، بیان کرد: هر کدام از این موارد دارای مکتب خاصی بوده و در طول تاریخ این مکتب‌ها برای دوران خاصی



شکل شماره گذاری صفحات توسط ایشان را می دانم. شیخ، در اغلب آثارش به صفحات شماره می گذاشت و در این اثر شماره‌ی صفحات از ۳ شروع می شد، بنابراین دو صفحه‌ی نخست افتادگی داشت.

او در پاسخ به واژه‌ی «دگراندیش» افزود: در زنجان عصر قاجار و اوایل دوره پهلوی، سنت بر مدرنیته غلبه داشت و حتی علمای روشن بینی نظیر میرزا ابوالکرام موسوی که در خانه روزنامه می خواندند، خواندن کتب غیردینی را جایز نمی شمردند. در آن دوره بسیاری از اعمال و رفتارهای علمایی نظیر شیخ ابراهیم زنجانی بدعت شمرده می شد، چنان که سید ابوالفضل موسوی زنجانی از علمای مخالف رژیم شاه و فرزند سید محمد مجتهد، در ایام جوانی به ملاقات شیخ ابراهیم زنجانی رفت، دید مشغول خواندن و نوشتن است. پرسید چه کتابی را می خوانید؟ شیخ در جواب گفت: در حال ترجمه‌ی تاریخ روم هستم. سید ابوالفضل زنجانی سری به حالت تأسف تکان داد و با او خداحافظی کرد. بنابراین در آن دوره این مسائل به نوعی دگراندیشی و جدایی از عوالم و اندیشه‌های طبقه‌ی روحانیت محسوب می شد. نباید فضای فکری و فرهنگی زنجان و تهران را یکسان تصور کنیم، چون در این شهر بسیاری از اعمال و رفتارها به بی حرمتی به دین و ساحت دین تعبیر می گردید و غالباً علمای روشن بین در بیم و اضطراب ناشی از این تکفیر و تهدید بودند. بنابراین، همین اعمال شیخ ابراهیم به بی دینی و دگراندیشی به نوعی تعبیر می شد. از یاد نبریم، میرزا ابوطالب موسوی زنجانی با توجه به این تنگ نظری ها و فضای بسته‌ی زنجان، برای همیشه رهسپار تهران شد.

وی با اشاره به اینکه در این کتاب شیخ زن ستیز است و این موضوع ریشه در اختلافات با همسر دوم و شهری او دارد و به همین دلیل در آثارش و به ویژه این اثر، یاد همسر نخست خود را گرامی می دارد،

تصریح کرد: این دوران با زمان خانه نشینی وی و اواخر عمرش همراه است و با فروغی و هدایت در پاتوق‌های عصرانه تهران به گفتگو می نشست، که کمی عرب ستیز می شود، هر چند رگه‌هایی از این ستیزه را از سال‌های پیش از مشروطیت داشت. شیخ ابراهیم زنجانی دو سال قبل از مشروطه، در کتاب بستان الحق، بهترین نوع حکومت را مشروطه عنوان کرد، که این مسئله در نوع خود جالب و قابل تأمل است. به گفته‌ی رستمی، صورت مذاکرات مجالس شورای ملی، بالاخص مجلس سوم که شیخ ابراهیم زنجانی پیرامون مالیات و سربازگیری خطابه‌های ارزشمندی ایراد نمود، منبع خوبی برای شناخت شیخ ابراهیم است.

وی با بیان اینکه شناخت شخصیت شیخ ابراهیم جا برای کار کردن دارد، بیان کرد: ولی برخی موضوعات این چنینی و تنگناها موجب دلسردی پژوهشگران تاریخ دوره قاجار می شود.

به گفته‌ی رستمی، کتاب با عنوان یادداشت‌های شخصی شیخ ابراهیم زنجانی در مجلس شورای اسلامی ثبت شده است؛ اما با توجه به بخش‌های مختلف و هم چنین یادداشتی از عبدالله شهبازی پیرامون آثار شیخ ابراهیم زنجانی که به نام «آزمایش زندگی» اشاره کرده، این عنوان انتخاب گردید.

وی با بیان اینکه بعد از گذشت صد سال از مشروطه، هنوز برخی در زنجان با مشروطه مشکل دارند، بیان کرد که: در این کتاب شیخ ابراهیم برخی از خطاها و مباحث عصر مشروطه را به روشنی بیان کرده و اتفاقاً یکی از اهداف چاپ این اثر، بیان همین فراز و فرودهای زندگی زنجانی در سال‌های مشروطه است، که متأسفانه عده‌ای بدون مطالعه و تعمق در این اثر و با بدفهمی و کج فهمی، جلوی رونمایی آن را گرفتند.



توجه کند می شود فرد دگراندیش ولی آن دوره دوران پیشرفت و توجه به علوم جدید است و دانش سنتی به دانش‌های مدرن اضافه می شود و این به معنی دگراندیشی نیست.

وی با اشاره به اینکه به خصوص که واژه غیردینی هم آمده است که اشتباه است چرا که این فرد در کنار دانش دینی که به وسیله آن نماینده مجلس شده است، دانش جدید را نیز فرا گرفته است، به خصوص پس از جنگ‌ها دوره تحول فکری در ایران است که آن را نمی توان به دگراندیشی ارتباط داد به ویژه که امروز جو هم علیه برخی افراد است.

کیانفر افزود: در فهرست باید به اشتباه افراد اشاره کرد نه نام‌شان، یعنی برخی افراد با القابش در فهرست آورده شود و باید از اشتباه آغاز و سپس به نام‌شان رسید. در برخی مواقع اسم فرد به نحوی است که فرد خواننده آن را نمی شناسد بلکه با القاب و اسم شهر فرد را می شناسند.

حسن رستمی نیز در این مراسم افزود: به دلیل تنگناهای خاص در زمان چاپ و میزان هزینه‌ی کتاب، مجبور شدیم مقدمه را پیش از ویراستاری بنویسیم، بنابراین ارجاعات به نسخه‌ی اصلی داده شده است. حتی می توانستیم بخش اعلام را گسترده‌تر بنویسیم، اما قیمت تمام شده اثر برای خوانندگان مزید بر علت بود. حتی دو صفحه ابتدایی و انتهایی نسخه خطی می بایست در کتاب به رویت خوانندگان می رسید، اما به جهت اینکه قیمت تمام شده بالا می رفت و این مسئله به ضرر خوانندگان تمام می گردید، لذا آن چشم پوشی شد. رستمی علاوه بر ذکر این نکته که با نسخه‌شناسی چندان آشنایی ندارد، افزود: هشت نسخه خطی شیخ ابراهیم زنجانی و هم چنین ده‌ها سند از ایشان را دارم و نحوی نسخه‌نویسی شخص شیخ ابراهیم زنجانی را به خوبی می شناسم، حتی

قبل از حروف چینی مقدمه نوشته شده است و همه ارجاعات به نسخ خطی بوده نه متن کتاب، که یک اشتباه است.

وی با اشاره به اینکه در اعلام تاریخ باید نوع آن مشخص شود، بیان کرد: ما سه نوع تاریخ داریم یعنی تاریخ قبل از اسلام یا تقویم تاریخ قدیمی و بر پایه سلطنت محاسبه می شود، تاریخ هجری داریم که از صدر اسلام شروع می شود که متون ما تا زمان تغییر تاریخ در مجلس به هجری قمری است ولی در کتاب‌ها وقتی تاریخ را به شمسی به روزرسانی کرده ولی اطلاعاتی در این زمینه ارائه نمی شود موجب سردرگمی خواننده خواهد شد.

کیانفر با اشاره به اینکه در تصحیح باید اعلام شود از چه روشی استفاده کرده‌اید، بیان کرد: روش انتقادی استفاده شده یعنی یک نسخه اقدم انتخاب کرده و بعد براساس این نسخه که فکر می شد این نسخه قدیمی و صحیح‌تر است اختلاف نسخ را بررسی کردید کاری که اروپایی‌ها انجام می دهند ما در گذشته تصحیح نسخ داشتیم ولی به این صورت نبود و برای نمونه میرزا یحیی کوجوری قانون ابن سینا را تصحیح کرده است و براساس چند نسخه یک متن جدید استخراج کرده است و ما نمی دانیم این متن استخراجی از کدام نسخه بوده و چه اختلافاتی دارد ولی اروپایی‌ها نقد نسخ را باب کردند یعنی یک نسخه ملاک بوده و بقیه نسخ با توجه به آن بررسی شده است که باید همه‌ی این نسخ در مقدمه معرفی شوند.

وی با بیان اینکه گاهی نسخه‌ی واحدی وجود ندارد و با استفاده از نسخ مختلف به یک متن دست می یابند و با تلفیق بین نسخ این کار را انجام می دهند که باید در این صورت ارجاع به نسخ و انجام پذیرد، خاطر نشان کرد: گاهی نیز تک نسخه است، برخی می گویند در این شرایط از روش قیاسی استفاده شود که غلط بوده و امکان پذیر نیست بلکه باید با دانش و

منابع دیگر نسخه را تصحیح کنید و در مورد اطلاعات نسخه نیز باید در سایر نسخ هم عصر آن مطالعه شود.

وی با اشاره به اینکه در کتاب باید بخشی شرح حال مولف باشد، اضافه کرد: باید بخشی را به ارائه‌ی شرایط دوران تاریخی نسخه اختصاص داد تا بتوان به درک درستی از علل نگارش نسخه دست یافت.

کیانفر ادامه داد: به ویژه که این کتاب تاریخ اجتماعی که بسیار کم بوده و جزو نقاط ضعف ما است، اهمیت این قبیل کارها در موضوعات اجتماعی آن است چرا که کمتر متونی می بینید که به تاریخ اجتماعی پرداخته باشد، شیخ ابراهیم بدون اینکه قصد داشته باشد تاریخ اجتماعی را نگارش کرده است ممکن است در متن به تاریخ فرهنگی و اقتصادی اشاره کرده است ما در این زمینه موردی نداریم که کتاب‌های مستقل در این زمینه داشته باشد بیشتر وقایع نگاری جنگ‌ها، لشکرکشی و عزل و نصب در دربار است و اهمیت این کتاب در این زمینه بسیار زیاد است و شما در مقدمه هیچ اشاره‌ای به آن نداشتید و ضروری است این کار را بکنید.

وی با بیان اینکه در مقدمه تنها به شرح حال اکتفا کرده‌اید، گفت: هدف از نگارش این کتاب بی نیاز کردن خواننده از مراجعه به نسخ خطی است که در این کتاب این موضوع به قوت خود باقی مانده است.

وی با بیان اینکه در مقدمه واژه‌های امروزی وجود دارد که باید از استفاده از آن خودداری شود، بیان کرد: برخی کلمات، امروز معنی خاصی دارد که در مورد کتب گذشته نمی شود از آن استفاده کرد مثلاً در مقدمه از عنوان دگراندیش استفاده شده است، یعنی شما علوم را از نظر خود و شیخ به دو بخش دینی و غیر دینی تقسیم کرده‌اید که فردی که به کتاب‌های دینی کمتر



آب از سر این سد گذشته است

سد جان نثار، جان می دهد



اول صبح است، بخار از دهان استکان چای روی میز بلند می شود نگاهم اندکی در خلال بخار کوچک آن محو می گردد، گوشه تلفن را برداشته تا سری به شبکه های اجتماعی بزنم و از اوضاع و احوال جهان خبری بگیرم. گروه «خبرنگاران» را در تلگرام باز می کنم و شروع می کنم به مرور اخبار موجود در آن. دم چایی گرم است و تا خنک شود شماره های در صفحه ی گوشه ام ظاهر می شود بلافاصله پاسخ می دهم، صدایی آن طرف گوشه از فاجعه ای می گوید که قبلاً نیز گفته شده بود. او می گوید سدی در جوار شهر زنجان، جان می سپارد و دریا که چشمی آن را نمی بیند، این شهر صاحب ندارد و هر کسی هر کاری می خواهد می کند. قرار بازدید از آن محل را هماهنگ می کنیم، به اتفاق یکی از همکاران خبرنگار، راهی آن منطقه می شویم، از جلوی پادگان انصارالمهدی عبور کرده و از مسیر سمت راست جاده خارج شده و از روی پل روگذر، عرض جاده فرودگاه را به سمت جنوب طی می کنیم. وارد جاده خاکی شده و پای مان به تاج سد خاکی شهید جان نثار می رسد، گزارش های متنوعی می شنویم. همه ی صداها حاکی از شکایت و فقدان نظارت و حفاظت از منابع ملی است و هیچ مقام مسئول و هیچ شهروندی از وقوع حوادث و تحمیل این خسارت خاموش، ککش هم نمی گرد. شهر خالی است ز عشاق و چشمی شاهد این ویرانی نیست و فریادی از دهانی بیرون نمی جهد، آب از سر این سد گذشته است و امید چندانی از مسئولان استانی برای احیای آن نمی رود و ما ناچاریم صدای مان را به موج رسانه بسیاریم تا مسئولان شهر بیدار شوند.

سد خاکی شهید کمال جان نثار در سال های ۶۵ و ۶۶ ساخته شده است. این سد با تاجی به طول ۱۵۰ متر و با حجم مخزن ۹۰۰ هزار متر مکعب توسط آبخیزداری سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان ساخته شده است.

حوزه ی آبریز سد خاکی شهید جان نثار در ضلع غربی پادگان انصارالمهدی است که از کوه های شمالی منطقه که فاصله ی نسبتاً دور و درازی با سد خاکی دارد شروع شده و تا ضلع جنوب غربی آن ادامه می یابد. در شرایط بازندگی احتمال طغیان سیل و بروز بحران در مسیر بالاست. در سال های گذشته یک شرکت ماسه شویی درست در میانه ی این مسیر که در معرض خطر جدی است احداث شده و علاوه بر استخراج وسیع بستر مسیل منتهی به سد، حریم آن را نیز تصاحب کرده

مطالعه شده و بی دلیل نبوده است. او آهی می کشد و می گوید: «آه از این رفتگان بی برگشت!» یکی دیگر از معترضان که خود از کارمندان قدیم جهاد کشاورزی است می گوید: یک شرکت ماسه شویی از نیمه های دهه ی ۸۰ بخشی از دریاچه ی سد را تصرف کرده و خاکی که نیروهای جهاد کشاورزی با هزار زحمت و مشقت در آن سال ها در آنجا ریخته بودند استخراج نموده و سازمان سد را به هم زده است. او می افزاید عایق بندی بستر سد از بین رفته و اکولوژی آن به هم ریخته است.

یکی دیگر از افراد که خود فعال محیط زیست است با صدایی آرام تر می گوید: درست است در حال حاضر به خاطر خشکسالی اهمیت و کارکرد سد جان نثار به چشم نمی آید ولی در مواقع بارندگی های بحرانی و راه افتادن سیل ناگهانی، اهمیت آن خودش را قطعاً نشان خواهد داد ولی متأسفانه در شرایط عادی کسی به این مسئله حیاتی توجهی نمی کند و فاجعه بارتر از دخل و

دارد، منطقه ای کوهستانی است و بهار و زمستان در آن، خود را بیشتر به معرض تماشا می گذارند، نباید قدر و منزلت این ناحیه را نادیده گرفت و با دخل و تصرف بی دریغ به امحای ظرفیت های زیست بوم آن پرداخت. یکی دیگر از افراد این جمع که از قضا او نیز دستی در ساخت و ساز جاده و سد دارد هزینه ی ساخت یک چنین سدی را در شرایط امروز بالای ۲۰۰ میلیارد تومان ارزیابی کرده و به سرمایه ی نهفته در آن تاکید می کند. او می گوید یک شهروند دغدغه مند و یک آدم دلسوز و وطن پرست از امحای یک سرمایه ی کلان توسط عده ای منفعت طلب، ناراحت می شود و برای نجات آن از نابودی جهد می کند ولی من تعجب می کنم که جهاد کشاورزی هیچگونه جهدی ندارد و شوربختانه چشم اش را برای یک سرمایه ی در حال نابودی بسته است و هیچ اهمیتی به حیات آن نمی دهد.

یکی دیگر از این جمع دلسوز که از خود از مدیران سابق استانی است تصریح می کند: خیلی از تاسیسات

می گوید جهاد کشاورزی از همان ابتدا از سرمایه ی خود مراقبت نکرده و شائبه ی مالکیت شرکت ماسه شویی مستقر در دل این مسیر را روز به روز تقویت کرده است. در حالی که باید به صورت جدی به این مسئله ورود کرد و از حریم و حوزه ی سد شهید جان نثار حفاظت می نمود

او ادامه می دهد: من فکر می کنم مسئولین فعلی از وجود این سد خاکی خبری ندارند و گرنه آن را رها نمی کردند و از استخراج عظیم و بی رویه ی آن پیشگیری می کردند. چون در حال حاضر هر سیلی هم بیاید در اعماق این سیاهچاله های عظیم و عمیق فرو رفته و امکان باز در گوش این نادها چون بستر این مسیل در آستانه ی سد، از هیچ فیلتر

در دوره ی مرحوم مقدسی در جهاد کشاورزی استان ساخته شده اند ولی متأسفانه امروز به یاد فراموشی سپرده شده و در حال نابودی اند. این مهندس سدسازی می گوید: در احداث این سد از سه لایه ی کاپکیت شده ۶۰ سانتی متری استفاده شده تا به عنوان لحاف رسی عمل کرده و عایق سازی آن درست انجام شود. بنابراین این عایق بندی باعث می شود آب ذخیره شده در پشت سد به لایه های زیرین زمین نفوذ نکرده و مخزن آن خالی نشود.

او می افزاید: این سد یکی از پروژه های مهم جهاد کشاورزی استان در سال های دهه ی ۶۰ بوده ولی امروز مسئولان مربوطه آن را قبل از نام شهید جان نثار از یاد برده اند و فردا روزی اگر واقعه ای در آنجا رخ بدهد آن وقت می فهمند که تاسیس آن

